

این پژوهش با هدف سنجش نگرش حوزویان و دانشگاهیان نسبت به یکدیگر انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه مدرسان، استادان، طلاب و دانشجویان مشغول به تحصیل در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ کشور بوده است. نمونه تحقیق ۵۰۰۰ نفر از دانشگاهیان و ۱۰۰۰ نفر از حوزویان بودند که داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه با آنها جمع‌آوری شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، در مجموع حوزویان نگرش مثبت‌تری نسبت به دانشگاهیان دارند. در این میان حوزویان تمایل بیشتر و دانشگاهیان تمایل کمتری برای نزدیک شدن به نهاد دیگر از خود نشان داده‌اند. مناسبات و ارتباطات حوزه و دانشگاه در سطح پایینی است و فاصله اجتماعی دو نهاد بسیار زیاد است. افراد دانشگاهی مسن‌تر در مقایسه با افراد جوان‌تر، دانشگاهی‌های متأهل در مقایسه با مجردها، اساتید در مقایسه با دانشجویان، دانشگاهیان دارای تحصیلات بالا در مقایسه با افراد دارای تحصیلات پایین، حوزویان مسن‌تر در مقایسه با افراد جوان‌تر، حوزویان متأهل در مقایسه با مجردها، مدرسین در مقایسه با طلاب، نگرش مثبت‌تری نسبت به افراد نهاد مقابل دارند.

■ واژگان کلیدی:

حوزه، دانشگاه، فرهنگ، نگرش، وحدت

نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان نسبت به یکدیگر

اصغر احمدی

عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی

ahmadi.asghar@gmail.com

دکتر سیدعلیرضا افشانی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

afshanalireza@yahoo.com

بیان مسئله

یکی از بخش‌های هر جامعه‌ای، بخش فرهنگ است. کنشگران اصلی بخش فرهنگ در جامعه کنونی ما، دانشگاهیان و روحانیون‌اند. کمتر کسی یافت می‌شود که در حوزه فرهنگ حرفی برای گفتن داشته باشد ولی از هیچ یک از این دو نهاد، تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم نپذیرفته باشد یعنی حداقل در یکی از این دو نهاد به تحصیل پرداخته باشد. در کنار همکاری‌های این دو گروه برای اداره کشور، رقابت‌ها و گاه تعارض‌هایی به چشم می‌خورد. دورنمای همبستگی، وحدت و همکاری آنها در گروه شناخت ایستارها و نگرش‌های آنان است زیرا نگرش‌ها هدایت‌گر عمل‌اند. طرد یا پذیرش متقابل این دو گروه تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر سطوح مختلف جامعه دارد. از این‌رو می‌توان با انجام این دست‌پزوهش‌ها، آینده تعاملات حوزویان و دانشگاهیان و جهت‌گیری‌های کشور را پیش‌بینی کرد. اهمیت بررسی نگرش‌های دانش‌آموختگان دو نهاد از اینجا ناشی می‌شود که حوزویان و دانشگاهیان از قدرت تأثیرگذاری بسیار بالایی در جامعه برخوردارند. از این‌رو هدف کلی از انجام این تحقیق شناخت نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان نسبت به همدیگر در ابعاد مختلف است.

۱۲۶

تحقیقات پیشین

متأسفانه در این زمینه کار پژوهشی در خور توجهی مشاهده نشده است. مهم‌ترین تحقیق انجام شده در این رابطه پایان‌نامه تحصیلی دکتر یحیی علی‌بابایی با عنوان «عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان فرهنگی حوزه و دانشگاه» است.

بر اساس نتایج تحقیق علی‌بابایی (۱۳۷۸) در مقاطع تاریخی زیر بین نخبگان فرهنگی جامعه (تحصیل‌کردگان حوزه و دانشگاه)، کشمکش و اختلاف وجود داشته است: ۱- فرایند شکل‌گیری نهضت مشروطیت (در سال‌های ۱۲۸۶-۱۲۸۴ شمسی)، ۲- فرایند شکل‌گیری نهضت ملی‌شدن صنعت نفت (در سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۲۸ شمسی)، ۳- فرایند شکل‌گیری نهضت فرهنگی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۴ شمسی به هدایت مرحوم دکتر شریعتی و روحانیونی چون شهید مطهری.

نتایج میدانی تحقیق ایشان نیز نشان داد که احساس وحدت بین دو قشر تحصیل‌کردگان حوزه و دانشگاه کمی بالاتر از متوسط است. همچنین عوامل مهم مؤثر بر افزایش احساس وحدت بین این دو قشر شاخص‌های وفاق فرهنگی و سیاسی مانند وفاق نقشی، وفاق منزلتی، وفاق معرفتی و کنش ارتباطی هستند.

تحقیق دیگری تحت عنوان «ارزیابی و تعیین چگونگی تعامل حوزه و دانشگاه» توسط آقای محمد علی برزنونی انجام شده است که به صورت نظری به مسائل مختلف پیرامون وحدت حوزه و دانشگاه پرداخته است.

مفهوم نگرش^۱

نگرش می‌تواند به عنوان یک گرایش و آمادگی برای پاسخ‌گویی مطلوب یا نامطلوب نسبت

به اشیاء، اشخاص، مفاهیم یا هر چیز دیگری تلقی شود. اساسی‌ترین نکته‌ای که در تعریف فوق آمده، این است که رفتار انسان در موقعیت‌های مختلف، مبتنی و وابسته به آن نوع تلقی‌ای است که وی از آن موقعیت دارد. بخش قابل توجهی از تلقی‌ها را افراد در فرایند اجتماعی شدن درونی می‌کنند و می‌آموزند که چگونه در محیط‌های مختلف و در برابر پدیده‌های گوناگون، عقاید، افکار و احساسات خاصی را ابراز کنند (کریمیان و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۹-۱۸).

عوامل مختلفی بر شکل‌گیری نگرش‌ها مؤثرند. نگرش‌ها در جریان زندگی اجتماعی و در کنش با افراد جامعه شکل می‌گیرند. هر فرد متناسب با نوع تجربیات و دامنه ارتباطات خود و منافع که یک نگرش خاص برای او دارد تمایل دارد که نگرشی نسبت به یک موضوع، شیء یا مفهوم داشته باشد. در روان‌شناسی اجتماعی هر چند تأکید اصلی بر تغییر نگرش‌ها پس از شکل‌گیری بوده است ولی مطالعه شکل‌گیری آنها نیز اهمیت زیادی دارد. تفاوت بین شکل‌گیری نگرش‌ها و تغییر دادن آنها تنها یک تفاوت مصنوعی و قراردادی است. به محض اینکه یک نگرش شکل‌گیری خود را آغاز می‌کند، در حال تغییر است یا لاقط در معرض تغییر قرار دارد بنابراین هر بحثی در مورد تغییر دادن نگرش‌ها، مستقیماً با شکل‌گیری آنها نیز مربوط است (کریمی، ۱۳۷۷: ۲۷۵-۲۷۰).

نظریه‌های مربوط به شکل‌گیری نگرش‌ها نظریه کرچ، کراچفیلد و بالاجی

«کرچ^۱، کراچفیلد^۲ و بالاجی^۳»، نگرش را ترکیب شناخت‌ها و احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین می‌دانند از نظر این محققین، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌ها به شرح ذیل است:

۱- آنچه نیازهای شخص را برآورده می‌کند: در جریان فعالیت‌های فرد، برای رفع نیازهای خود، موانع و مشکلاتی بر سر راه او قرار می‌گیرند که نگرش‌های ویژه‌ای را در او به وجود می‌آورند.
۲- کسب اطلاعات درباره موضوع، شیء یا فرد خاص: اطلاعاتی که شخص کسب می‌کند، در ایجاد و شکل‌گیری نگرش‌های او تأثیر دارند. مراجع اطلاعاتی ما در دوران کودکی و در خانواده، پدر و مادر و در مدرسه معلمان و هم‌شاگردی‌ها و در جامعه رسانه‌های گروهی، همکاران، دوستان و آشنایان ما هستند.

۳- تعلق گروهی: نیاز تعلق به گروه، یکی از نیازهای مهم انسان است و همبستگی شخص با گروه در ایجاد نگرش‌های او تأثیر حتمی دارد می‌توان گفت که نگرش‌های شخصی نماینده اعتقادات و سنت‌های گروه‌هایی است که شخص جزء آنهاست. علاوه بر این فرد برای نگرش‌های خود به حمایت دیگران نیازمند است.

۴- شخصیت فرد: نگرش فرد منعکس‌کننده شخصیت اوست. یکی از تأثیرات گروه در شکل‌دهی نگرش‌های فرد آن است که در نگرش‌های او نسبت به نگرش‌های اعضای گروه هماهنگی به وجود

آورد، اما علیرغم این کوشش‌ها در میان افراد هر گروه، باز هم از نظر نگرش تفاوت‌هایی وجود دارد. این تفاوت‌ها ناشی از شخصیت افراد است (کریمی، ۱۳۷۷: ۲۷۷-۲۷۰). متغیرهای الگویی پارسونز نیز در نهایت ناظر به چنین معنایی است زیرا هر سنخ شخصیت، نگرش و رفتار خاصی را در پیش می‌گیرد.

نظریه روزن اشتیل^۱ و هروشکا^۲

این دو نظریه‌پرداز در نظریات خود بر نقش تجربه و رضایت در شکل‌گیری و یا تغییر نگرش‌ها تأکید دارند. به نظر هروشکا، تجربه، عامل مؤثری در تکوین نگرش است. به نظر وی دسترسی به اهداف و ارضای نیاز، همواره با احساس رضایت، احساس خوشبختی و تجربیات مطبوع و بر عکس عدم ارضای نیاز با نارضایتی و احساس منفی همراه است، این خاطرات همراه با احساسات ارزشی آنها در حافظه باقی می‌مانند و آن چیزی را که ما «تجربه» می‌نامیم می‌سازند. بدین ترتیب است که تکرار و تراکم تجربه همراه با احساس ارزشی آن بر روی نگرش تأثیر می‌گذارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۶).

۱۲۸

پیشینه تعاملات حوزه و دانشگاه

در گذشته‌های نه چندان دور، در کشور ما، حوزه‌های رایج علوم دینی، علاوه بر علوم حوزوی و دینی به معنای مصطلح کنونی، مهد علوم طبیعی و ریاضی بود و عالمان دینی به علوم ریاضی، طبیعی و تجربی نیز می‌پرداختند. در واقع نوعی ارتباط عمیق میان رشته‌های تحصیلی وجود داشت به گونه‌ای که در عین اختلاف در زمینه‌های تحصیل، در ساختن تمدن اسلامی، مساعدت و همسویی داشتند. با ورود فرهنگ غرب به جوامع اسلامی و ایران، رفته‌رفته مکتب‌خانه‌ها که نماد سنت حوزوی بودند، تعطیل شدند و مدارس جدید و دانشگاه‌ها سر بر آوردند. با نفوذ علوم غربی در ایران، محفل‌های علمی جدیدی در تحصیل و تدریس به وجود آمد که در شیوه درسی و نیز جهت و کاربرد، با حوزه‌های علوم دینی، مشابهت نداشتند به گونه‌ای که حتی غالب دانش‌پژوهان در این دو محفل علمی به زبان یکدیگر آشنایی نداشتند. پس از آغاز حکومت رضاخان، نوعی خصومت و دشمنی آشکار در روابط این دو نهاد علمی و فرهنگی مشهود است. حمایت بی‌قید و شرط رژیم از روشنفکران و علوم دانشگاهی و از سوی دیگر مقابله با کلیه مظاهر شرعی و نیز حوزه‌های علمیه دینی موجب شد که روحانیت، به دستاورد محافل علمی جدید بدگمان شود. مدارس و دانشگاه‌های جدید کفرستان نامیده شد و دوری کردن از آنها بهترین گزینه بود. در رژیم گذشته در جهت اختلاف و جدایی میان حوزه و دانشگاه تلاش می‌شد. در همین دوران بود که افرادی مانند شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید مفتاح در دانشگاه‌ها نفوذ علمی یافتند و تلاش کردند تا پیوندی میان حوزه و دانشگاه پدید آورند (برزنونی، ۱۳۸۳: ۹۸-۹۰).

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موانع رشد و گسترش علمی آموزه‌های دینی برچیده

شد. مسئله وحدت حوزه و دانشگاه از جمله مسائلی است که بعد از انقلاب اسلامی کانون توجه اندیشمندان جامعه ما بوده است (برزنونی، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۱). سنگ بنای این حرکت ابتدا توسط همان کسانی نهاده شد که در نظام گذشته پیشگام رفتن از حوزه به دانشگاه شدند. در ادامه حضور اساتید حوزه در دانشگاه‌ها، اساتیدی از دانشگاه نیز در حوزه حضور یافتند. متقابلاً در هر یک از دو نهاد رشته‌هایی از نهاد مقابل تأسیس شد و درس‌هایی از هر نهاد در نهاد دیگر دایر گردید. به طور مشخص در ادامه حضور اساتید حوزوی در دانشگاه‌ها، برخی از اساتید دانشگاه نیز به دعوت حوزویان پاسخ مثبت دادند و برای تدریس برخی از دروس علوم انسانی به حوزویان، روانه حوزه‌ها شدند. اما آنچه مسلم است همه این تلاش‌ها و راهکارها تاکنون نتوانسته است شکاف نسبتاً عمیق میان حوزه و دانشگاه را پر نماید و کماکان وحدت دو نهاد به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر مورد توجه قرار دارد. با دور شدن از سال ۱۳۵۷ که دوره خاص و پرحرارتی در طرح شعار وحدت حوزه و دانشگاه بود، به نظر می‌رسد فاصله دو نهاد بدون آنکه این بار نقش عوامل خارجی یا داخلی مؤثر هویدا باشد، در حال افزایش است.

۱۲۹

در حال حاضر هیچ‌گونه اجماعی برسر یکی از شقوق اتحاد یا وحدت حوزه و دانشگاه وجود ندارد. گاه دعوا برسر الفاظ است و گاهی نیز هر دسته بر اساس اعتقادات ریشه‌ای خود، راهی جداگانه در پیش گرفته و به همین سبب تاکنون نتوانسته‌اند به وفاق و همگرایی قابل قبولی دست پیدا کنند زیرا هنوز درباره شناخت ریشه‌ها و علل واقعی جدایی این دو نهاد توافقی به دست نیامده است. عده‌ای وجود تضاد و تعارض جدی را انکار می‌کنند. به نظر آنها «علیرغم خواست عده‌ای، هرگز حوزه و دانشگاه، به صورت همه‌جانبه معارض و متضاد نبوده‌اند. بلکه همواره نقاط وصل متعددی داشته‌اند و حتی برخی از پیشروان و بنیانگذاران دانشگاه که دارای سوابق حوزوی بوده‌اند، این طور نبوده که از یکی بریده و به دیگر پیوسته باشند» (کچویان، ۱۳۷۸: ۳۱۲) و «واقعیت آن است که در گذشته فرهنگ درخشان ما، علم دین و علم دنیا تجزیه‌شدنی نبودند و حتی در محیط مشترکی، آموزش داده می‌شدند این دو ذاتاً و ماهیتاً با هم تعارض و تناقضی نداشته‌اند» (وکیلی، ۱۳۷۸: ۳۶۶).

برخی نیز معتقدند «بین علم و دین (و به تبع بین حوزه و دانشگاه) هیچ وقت ارتباط منطقی وجود نداشته است بلکه ارتباط این دو غیرمنطقی بوده است. مثلاً عالم متقی دینی داشته‌ایم که طبیب هم بوده است ولی این ارتباط منطقی بین علم و دین نیست» (میزگرد، ۱۳۷۸: ۱۲۷۸). در مسئله حوزه و دانشگاه، نسبت میان حوزه و دانشگاه در سطوح و ابعاد مختلف مطرح است و نسبت میان دین و علم یکی از این سطوح و اصلی‌ترین و مبنایی‌ترین آنهاست اما زمانی از نسبت علم و دین سخن می‌رود و زمانی از نسبت عالمان و دینداران و این دو در مقام تحقق با یکدیگر متفاوت‌اند (میزگرد، ۱۳۷۸: ۳۱۲).

به همین سبب برداشت‌های مختلفی از نسبت میان حوزه و دانشگاه وجود دارد «در محدودترین برداشت‌ها، موضوع در حد دو نهاد آموزشی و تعارض میان آنها تنزل داده می‌شود. از این دید مشکل اصلی به تفاوت در ساخت و قالب آموزشی برمی‌گردد که یکی متعلق به دوران جدید است و دیگری

در گذشته ریشه دارد. می‌توان در تاریخ پیدایش این مشکل بالاخص در دوران اولیه ورود نهادهای آموزشی جدید به ایران حوادثی را دریافت که مبین وجود چنین دیدی نسبت به مسئله بوده است. هنگامی که بر سر نوع پوشش، سبک نشستن در سر کلاس، استفاده یا عدم استفاده از میز و نیمکت و نظیر آن نزاع بر پا می‌شود، مسئله دقیقاً چنین صورتی به خود می‌گیرد (کچویان، ۱۳۷۴: ۵۸-۵۷).

علل جدایی حوزه و دانشگاه

در ابتدا باید میان علل جدایی و موانع نزدیکی دو نهاد مذکور تمایز قائل شد. برخی ظاهراً این دو را یکی دانسته‌اند، در صورتی که ممکن است علل جدایی که به دوره‌های گذشته بر می‌گردد، از موانع وحدت که مسئله‌ای امروزی است، متفاوت باشد. به هر حال با استفاده از تحلیل‌ها و آرائی که در این‌باره تاکنون مطرح شده، عمده‌ترین موانع نزدیکی میان این دو قشر به شرح زیر است: فقدان یک نظریه و دیدگاه جامع که جایگاه و نسبت دو نهاد را مشخص کند.

مشخص نبودن تعریف وحدت

ناآگاهی نخبگان از ضرورت وحدت

عدم شناخت حوزه و دانشگاه از یکدیگر

عدم وحدت زبانی حوزه و دانشگاه

فقدان انگیزه وحدت در میان حوزویان و دانشگاهیان

فقدان ساخت سازمانی واحد

غریبی بودن دانشگاه و بومی بودن حوزه

وارد کردن اتهام به یکدیگر

رواج اندیشه مدرنیسم (نوگرایی) در ایران

تز اسلام منهای روحانیت

فقدان نهادهایی که مسئولیت وحدت را بر عهده بگیرند

اسلام‌ستیزی روشنفکران

وجود حاشیه‌ای دین در دانشگاه

روزآمد نبودن حوزه

راهکارهای ایجاد وحدت میان حوزه و دانشگاه

از مجموعه پیشنهادها پراکنده موجود در متون مورد مطالعه که برای دستیابی به وحدت میان حوزه و دانشگاه ارائه شده‌اند، می‌توان جمع‌بندی زیر را ارائه کرد:

- ایجاد احساس نیاز به وحدت در میان نخبگان فرهنگی

- اجماع نخبگان بر ضرورت وحدت

- داشتن نگرش اخلاقی به وحدت

- شناخت واقع‌بینانه و متقابل هر نهاد از یکدیگر

- تعریف الگوی مطلوب وحدت

- فرایندی کردن مسئله وحدت (به صورت یک امر مقطعی به وحدت نگاه نشود)
- تأسیس نهادها و مراکز تلفیقی که هم رنگ و بوی حوزه و هم دانشگاه داشته باشند (مانند دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی)
- تأسیس نهاد یا ساخت سازمانی واحد برای حوزه و دانشگاه
- آشنایی حوزه با مفاهیم و متدلوژی دانشگاه
- آشنایی دانشگاه با علوم و معارف دینی
- بومی کردن علوم دانشگاهی
- اسلامی کردن دانشگاه‌ها
- برگرداندن وحدت حوزه و دانشگاه به وحدت علم و دین

روش‌شناسی تحقیق

بر پایه مبانی سنجش نگرش و با ملاحظه شرایط فرهنگی حاکم بر دو نهاد، نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان در قالب محورهای زیر مورد بررسی قرار گرفت

نگرش حوزویان و دانشگاهیان نسبت به آگاهی‌ها و توانایی‌های همدیگر

نگرش حوزویان و دانشگاهیان نسبت به دینداری و صفات اخلاقی همدیگر

نگرش حوزویان و دانشگاهیان نسبت به نقش و اهمیت همدیگر

نگرش حوزویان و دانشگاهیان نسبت به میزان شکاف میان دو نهاد، ضرورت وحدت و امکان تحقق آن

نگرش حوزویان و دانشگاهیان نسبت به عوامل جدایی دو نهاد

نگرش حوزویان و دانشگاهیان درباره عوامل مؤثر بر نزدیکی دو نهاد

برای هر یک از محورهای فوق چندین گویه (عمدتاً در قالب طیف لیکرت) طراحی شد. همچنین متغیرهایی مانند سن، جنس، تحصیلات، پایگاه اقتصادی، شهر محل سکونت و تعلق گروهی نیز مورد بررسی قرار گرفت.

این پژوهش به شیوه پیمایش اجرا شده و اطلاعات آن از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. مطالعه حاضر به لحاظ معیار زمان، مقطعی، به لحاظ معیار کاربرد، کاربردی و به لحاظ گستره، پهنانگر است.

جمعیت آماری شامل کلیه استادان و دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مشغول به تدریس/تحصیل سراسر کشور در سال تحصیلی ۸۱ - ۸۰ و تمامی مدرسان و طلاب مشغول به تدریس/تحصیل در حوزه‌های علمیه سراسر کشور در همین مقطع زمانی است.

حجم نمونه دانشگاهیان در این تحقیق ۵۰۰۰ نفر بوده است که از بین ۹ دانشگاه تهران، اهواز، گیلان، کرمانشاه، ارومیه، اصفهان، همدان، مشهد و یاسوج با نسبت ۱۰ درصد استاد و ۹۰ درصد دانشجو انتخاب شده‌اند. حجم نمونه ۱۰۰۰ نفری حوزویان هم با رعایت نسبت ۱۰ درصد مدرس و ۹۰ درصد طلبه از بین ۵ حوزه علمیه تهران، مشهد، قم، تبریز و اصفهان انتخاب شده است.

در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی استفاده گردیده است. برای تحلیل یافته‌ها هم علاوه بر جداول فراوانی و نمودارها، از آماره های F و T (برای مقایسه میانگین نگرش گروه‌ها) استفاده شده است.

یافته‌ها

مشخصات پاسخگویان

۸۷/۳ درصد از پاسخگویان حوزوی، مرد و ۱۲/۷ درصد زن بوده‌اند. در مقابل ۶۰/۱ درصد از پاسخگویان دانشگاهی، مرد و ۳۹/۹ درصد زن بوده‌اند.

۸۸/۵ درصد از پاسخگویان حوزوی، طلبه و ۱۱/۵ درصد مدرس بوده‌اند. در مقابل ۸۵/۳ درصد از پاسخگویان دانشگاهی، دانشجو و ۱۴/۷ درصد استاد بوده‌اند.

نگرش دو نهاد نسبت به صفات و توانایی‌های همدیگر ۴۹/۹ درصد حوزویان و ۲۱ درصد دانشگاهیان، افراد نهاد مقابل را در حد زیاد، آگاه به مسائل روز می‌دانند.

۳۱/۶ درصد حوزویان و ۳۶/۹ درصد دانشگاهیان میزان دینداری افراد نهاد مقابل را در حد زیاد دانسته‌اند.

۴۶/۷ درصد حوزویان و ۱۱/۸ درصد دانشگاهیان، افراد نهاد مقابل را در حد زیاد در اداره کشور توانا ارزیابی کرده‌اند.

۳۶/۶ درصد حوزویان و ۲۶/۳ درصد دانشگاهیان، افراد نهاد مقابل را در زمینه هدایت فکری جامعه در حد زیاد توانا ارزیابی کرده‌اند.

۳۳/۵ درصد حوزویان و ۱۵/۸ درصد دانشگاهیان، افراد نهاد مقابل را در حد زیاد واجد صفات اخلاقی مثبت ارزیابی نموده‌اند.

۵۳/۳ درصد حوزویان و ۳۳/۸ درصد دانشگاهیان نقش افراد نهاد مقابل را در رویدادهای تاریخی گذشته کشور در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

میزان شکاف دو نهاد

۵۷/۱ درصد حوزویان و ۷۲/۸ درصد دانشگاهیان میزان شکاف موجود میان دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

فاصله اجتماعی ۴/۳ درصد حوزویان و ۵۵/۸ درصد دانشگاهیان نسبت به افراد نهاد مقابل در حد زیاد بوده است.

۳۶/۶ درصد حوزویان و ۱۵/۵ درصد دانشگاهیان، توافق کلی دو نهاد بر سر مسایل مختلف را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۸۹ درصد حوزویان و ۳۷/۳ درصد دانشگاهیان وجود نهاد مقابل را در حد زیاد ضروری می‌دانند. ۷۲/۱ درصد حوزویان و ۲۲/۶ درصد دانشگاهیان با نهاد مقابل خود رابطه داشته‌اند.

۸۵/۱ درصد حوزویان و ۴۶/۷ درصد دانشگاهیان تمایل دارند با نهاد مقابل خود رابطه داشته باشند.

عوامل جدایی دو نهاد

۳۴/۷ درصد حوزویان و ۲۶/۵ درصد دانشگاهیان، تأثیر دین‌گرایی حوزه و دنیاگرایی دانشگاه بر جدایی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۳۰ درصد حوزویان و ۲۹ درصد دانشگاهیان، تأثیر تأکید حوزه بر علوم اسلامی و تأکید دانشگاه بر علوم تجربی و غیراسلامی بر جدایی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۳۸/۷ درصد حوزویان و ۳۸/۸ درصد دانشگاهیان تأثیر تفکیک سازمانی حوزه و دانشگاه بر جدایی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۴۶/۲ درصد حوزویان و ۶۶/۸ درصد دانشگاهیان تأثیر تمایلات سیاسی متفاوت حوزه و دانشگاه بر جدایی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۴۲/۷ درصد حوزویان و ۶۰/۲ درصد دانشگاهیان، تأثیر عدم پذیرش همدیگر به عنوان همکار در انجام فعالیت‌های اجتماعی را بر جدایی دو نهاد در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۴۰/۴ درصد حوزویان و ۶۰/۶ درصد دانشگاهیان، تأثیر تفاوت اهداف و آرمان‌های حوزه و دانشگاه بر جدایی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۸۲/۶ درصد حوزویان و ۳۴/۵ درصد دانشگاهیان، تأثیر توطئه دشمنان بر جدایی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

میزان ضرورت و امکان وحدت دو نهاد

۸۸ درصد حوزویان و ۴۲/۸ درصد دانشگاهیان، ضرورت وحدت حوزه و دانشگاه را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۶۰/۸ درصد حوزویان و ۱۷/۵ درصد دانشگاهیان امکان‌پذیر بودن وحدت حوزه و دانشگاه را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

عوامل مؤثر بر نزدیکی دو نهاد

۸۹/۷ درصد حوزویان و ۶۵/۵ درصد دانشگاهیان، تأثیر پایبندی حوزه و دانشگاه به دین اسلام بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۳۸ درصد حوزویان و ۱۹/۱ درصد دانشگاهیان، تأثیر ادغام حوزه و دانشگاه در یک ساخت سازمانی جدید و واحد را بر نزدیکی دو نهاد در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۵۰/۵ درصد حوزویان و ۱۵/۷ درصد دانشگاهیان، تأثیر ورود دروس حوزوی به دانشگاه بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۴۶ درصد حوزویان و ۴۵/۲ درصد دانشگاهیان، تأثیر ورود دروس دانشگاهی به حوزه بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۶۸/۶ درصد حوزویان و ۲۵/۳ درصد دانشگاهیان تأثیر ورود روحانیون به دانشگاه را بر نزدیکی دو نهاد در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۶۲/۶ درصد حوزویان و ۳۵/۶ درصد دانشگاهیان، تأثیر تاسیس رشته‌های حوزوی در دانشگاه بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۵۲/۳ درصد حوزویان و ۳۹/۹ درصد دانشگاهیان، تأثیر اسلامی کردن دانشگاه‌ها بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۵۹/۹ درصد حوزویان و ۴۵/۳ درصد دانشگاهیان تأثیر مشارکت یکسان حوزویان و دانشگاهیان در فعالیت‌های اجتماعی را بر نزدیکی دو نهاد در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۷۱/۸ درصد حوزویان و ۶۳/۳ درصد دانشگاهیان تأثیر چشم‌پوشی از معایب یکدیگر و پرهیز از وارد کردن اتهام بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۷۵/۹ درصد حوزویان و ۷۵/۲ درصد دانشگاهیان، تأثیر قبول همدیگر به عنوان همکار در انجام فعالیت‌های اجتماعی بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۷۳ درصد حوزویان و ۵۱/۸ درصد دانشگاهیان، تأثیر مشارکت حوزویان و دانشگاهیان در ارگان‌های سیاسی برای اداره کشور بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

در مجموع ۷۳/۲ درصد حوزویان و ۴۶/۳ درصد دانشگاهیان، تأثیر عوامل مذکور بر نزدیکی دو نهاد را در حد زیاد ارزیابی نموده‌اند.

یافته‌های پژوهش در زیرگروه‌ها

نگرش حوزویان (۳۷/۲) از نگرش دانشگاهیان (۹/۱) مثبت‌تر است.

نگرش زنان دانشگاهی (۹۴/۱) از مردان دانشگاهی (۸۸/۱) مثبت‌تر است.

نگرش افراد بالای ۵۰ سال دانشگاهی (۰۸/۲) مثبت‌تر از افراد ۲۵ تا ۵۰ سال دانشگاهی (۲) و نگرش این دو دسته، از افراد زیر ۲۵ سال دانشگاهی (۸۷/۱) مثبت‌تر است.

نگرش متأهل‌های دانشگاهی (۲) از مجردهای دانشگاهی (۸۷/۱) مثبت‌تر است.

نگرش استادان دانشگاه (۰۵/۲) از نگرش دانشجویان (۸۸/۱) مثبت‌تر است.

نگرش افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه (۹۸/۱) از افراد با تحصیلات کارشناسی در دانشگاه (۹۵/۱) مثبت‌تر و تحصیلات این دو گروه از افراد با تحصیلات کاردانی در دانشگاه (۸/۱) مثبت‌تر است.

- نگرش دانشگاهیان در شهرهای مختلف به ترتیب از مثبت به منفی به شرح زیر است:

یاسوج (۱۲/۲)، مشهد (۹۸/۱)، گیلان (۹۷/۱)، اهواز (۹۵/۱)، اصفهان و کرمانشاه (۸۶/۱)، همدان (۸۵/۱)، تهران (۸۳/۱)، و ارومیه (۸۲/۱). این تفاوت‌ها، از نظر آماری، معنادار هستند.

نگرش حوزویان در شهرهای مختلف هم به ترتیب از مثبت به منفی به شرح زیر است:

تهران (۴۶/۲)، مشهد (۳۹/۲)، قم (۳۱/۲) و اصفهان (۲۳/۲). این تفاوت‌ها، از نظر آماری، معنادار هستند.

- تفاوت معناداری بین نگرش مردان حوزوی (۳۶/۲) و زنان حوزوی (۳۵/۲) وجود ندارد.
- نگرش حوزویان بالای ۵۰ سال (۴۲/۲) از حوزویان بین ۲۵ تا ۵۰ سال (۴۱/۲) مثبت‌تر و نگرش این دو دسته، از افراد زیر ۲۵ سال (۳۴/۲) مثبت‌تر است.
- نگرش متأهل‌های حوزوی (۳۹/۲) از مجردهای حوزوی (۳۴/۲) مثبت‌تر است.
- نگرش مدرسین حوزوی (۴۶/۲) از طلاب (۳۵/۲) مثبت‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

با مرور یافته‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که فاصله نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان زیاد است. در این میان حوزویان تمایل بیشتر و دانشگاهیان تمایل کمتری برای نزدیک شدن به نهاد دیگر از خود نشان داده‌اند. مناسبات و ارتباطات حوزه و دانشگاه در سطح پایینی است و در اینجا نیز حوزویان بیش از دانشگاهیان (به انحاء مختلف) به نهاد مقابل خود مراجعه نموده‌اند. حوزویان با اغماض بیشتری دانشگاهیان را برای ورود به عرصه پژوهش در زمینه مسائل دینی دارای صلاحیت می‌دانند اما دانشگاهیان با سخت‌گیری به چنین امری تن می‌دهند و کمتر حاضرند حوزویان به عرصه دانشگاهی گام بگذارند.

حوزویان بسیار بیش از دانشگاهیان، نهاد مقابل و علوم مورد مطالعه آن را برای جامعه ضروری می‌دانند و در عین حال حوزویان بیش از دانشگاهیان، افراد نهاد مقابل را دارای فضائل اخلاقی یا صفات اخلاقی مثبت می‌دانند. حوزویان بیش از دانشگاهیان نقش افراد مقابل را در رویدادهای تاریخی گذشته، در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند. توافق دو نهاد بر سر موضوعات مختلف و عموماً جنجال برانگیز بسیار اندک است اما حوزویان بیش از دانشگاهیان به وجود توافق بالا بر سر این گونه مسائل اعتقاد دارند.

دانشگاهیان، بیش از حوزویان به وجود شکاف و کمتر از حوزویان به ضرورت رفع این شکاف و امکان‌پذیر بودن آن اعتقاد دارند. در زمینه مسائل مؤثر بر جدایی دو نهاد نیز نظر دو نهاد دارای تفاوت بسیار معناداری است.

فاصله اجتماعی دو نهاد نیز بسیار زیاد است به طوری که تفاوت نظرات دو نهاد گاه از حدود دو برابر می‌گذرد یعنی اگر به عنوان مثال ۴۰ درصد دانشگاهیان حاضر به تعامل در زمینه خاصی با حوزویان باشند، ۸۰ درصد حوزویان حاضر به چنین کاری هستند. برای نزدیکی بیشتر دو نهاد نیز عوامل مختلفی به پاسخگویان ارائه شده ولی توافق قابل قبولی بر سر موارد مذکور وجود نداشت.

نگاهی به تقابلی گروه‌هایی که نظرات مخالف هم داشته‌اند برای تحلیل چشم‌انداز وحدت دو نهاد شاید مفید باشد. همان گونه که در سطور بالا اشاره شد، افراد دانشگاهی مسن‌تر در مقایسه با افراد جوان‌تر، دانشگاهی‌های متأهل در مقایسه با مجردها، اساتید در مقایسه با دانشجویان، دانشگاهیان دارای تحصیلات بالا در مقایسه با افراد دارای تحصیلات پائین، حوزویان مسن‌تر در مقایسه با افراد جوان‌تر، حوزویان متأهل در مقایسه با مجردها، مدرسین در مقایسه با طلاب، نگرش

مثبت‌تری نسبت به افراد نهاد مقابل دارند. به طور خلاصه باید گفت با افزایش سن و تحصیلات، نگرش نسبت به نهاد مقابل مثبت‌تر شده است. این گروه‌ها نگرششان عمدتاً مبتنی بر تجارب و واقعیت‌های موجود است و کمتر بر اساس احساسات قضاوت می‌کنند. پس عدم شناخت کافی باعث اظهارنظرهای غیردقیق و ناصواب می‌شود که با افزایش سن، تحصیلات و تجربه، قضاوت‌ها مثبت‌تر می‌گردد. افزایش شناخت و مثبت‌شدن نگرش با گذشت زمان و تعامل بیشتر دو نهاد به دست می‌آید از این رو پیشنهاد می‌شود در این راستا به موارد زیر توجه شود:

- تشکیل نهادها یا مؤسسات علمی و اجرایی مشترک

- انجام تحقیقات و تألیفات مشترک

- برگزاری همایش علمی با شرکت اعضای دو نهاد

- تشکیل شوراهای و انجمن‌های علمی با شرکت طرفین

- تدریس و تحصیل روحانیون در دانشگاه و دانشگاهیان در حوزه

- نقد منصفانه طرفین به صورت مستدل و علمی و پرهیز از هتک حرمت طرفین

- تجلیل از نخبگان دانشگاه از سوی حوزه و تجلیل از نخبگان حوزه از سوی دانشگاه

- نقش صدا و سیما در نزدیکی این دو نهاد با تدوین برنامه‌ها، برگزاری میزگردها و سایر فعالیت‌های مشترک، برای تغییر ذهنیت‌های موجود مبنی بر فاصله زیاد میان دو نهاد، قطعاً بسیار مؤثر و سودمند است. بنابراین تأکید یک‌سویه بر تغییر ذهنیت یا عینیت هرگز کافی نیست و منجر به نزدیکی حوزه و دانشگاه نمی‌شود.

یافته‌های این تحقیق عمدتاً توصیفی از وضعیت موجود است و نمی‌توان برای «علت‌یابی» و با اطمینان خاطر به آن اتکا نمود. با وجود این، چنین یافته‌هایی می‌توانند محمل مناسبی برای پروژه‌های «علت‌کاوانه» باشد که در آینده می‌تواند در این زمینه صورت پذیرد. دلیل این امر مقایسه‌ای بودن طرح و عدم امکان طرح سؤالات بیشتر در پرسش‌نامه‌های مورد نظر است. پی‌بردن به دلایل عدم توافق دو نهاد در زمینه‌های مختلف یا دلایل احساس بدبینی دو نهاد نسبت به یکدیگر یا کم و زیاد ارزیابی کردن نقش همدیگر در رویدادهای تاریخی گذشته، مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است که بسیار هم ضروری به نظر می‌رسد. آنچه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این است که نگرش حوزویان و دانش‌گاہیان چگونه است و در چه سطحی است؟ آیا آنها نسبت به یکدیگر خوش‌بین یا بدبین‌اند؟ پی‌بردن به «چرایی» یافته‌های فوق‌کاری فراتر از این می‌طلبید، هر چند تفاوت میان نگرش‌ها بر اساس متغیرهای مختلف سنی و تحصیلی که به خوبی تفاوت میان گروه‌های مختلف میان دو نهاد را نشان می‌دهد، می‌توانند به عنوان فرضیات قابل‌انکابی برای پژوهش‌های علت‌کاوانه مورد استفاده قرار گیرند، اما این امر پیش از هر چیز باید متکی به نظریات جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه‌ای باشد که دلایل به وجود آمدن نگرش‌های خاص در افراد و گروه‌ها را نشان می‌دهد.^۱

۱. این تحقیق به سفارش دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) انجام شده است.

منابع

۱. اعرافی، علی رضا. (۱۳۷۸). نقد و بررسی وحدت حوزه و دانشگاه در دو دهه اخیر. مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه. کتاب دوم. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۲. افروغ، عماد. (۱۳۷۸). وحدت حوزه و دانشگاه در اندیشه امام خمینی. مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه؛ اسلامی کردن و بومی شدن علوم انسانی. کتاب اول. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۳. برزونی، محمد علی. (۱۳۸۳). ارزیابی و تعیین چگونگی تعامل حوزه و دانشگاه. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. کمیسیون فرهنگی.
۴. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد سازندگی.
۵. علی بابایی، یحیی. (۱۳۷۸). عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان فرهنگی (مورد حوزه و دانشگاه). پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۶. کجویان، حسین. (۱۳۷۴). تحولات واقعیت‌ها - معنی و مفهوم. فصلنامه حوزه و دانشگاه. شماره ۲.
۷. کجویان، حسین. (۱۳۷۸). تحلیل واقعیت‌ها - معنی و مفهوم. مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه؛ اسلامی کردن و بومی شدن علوم انسانی. کتاب اول. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه قم.
۸. کریمی، یوسف. (۱۳۷۷). روان‌شناسی اجتماعی؛ نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها. تهران: بعثت.
۹. کریمیان، حبیب‌الله و دیگران. (۱۳۷۵). بررسی و تجزیه و تحلیل فرهنگ نگرش به زن از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. تهران: دفتر امور زنان ریاست جمهوری.
۱۰. میزگرد. (۱۳۷۸). مسایل عام حوزه و دانشگاه؛ راهبردهای وحدت. مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه؛ اسلامی کردن و بومی شدن علوم انسانی. کتاب اول. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۱۱. میزگرد. (۱۳۷۸). نقد و بررسی وحدت حوزه و دانشگاه در دو دهه اخیر. مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه؛ اسلامی کردن و بومی شدن علوم انسانی. کتاب اول. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۱۲. نبوی، سیدعباس. (۱۳۷۸). حوزه و دانشگاه به سوی وحدت راهبردی. مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه. کتاب اول. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۱۳. وکیل، هادی. (۱۳۷۸). تأملی در موانع نظری و تاریخی تقریب حوزه و دانشگاه. مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه؛ اسلامی کردن و بومی شدن علوم انسانی. کتاب اول. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.



ثروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی